

مهر جاودان ایران

گفت و گو با رضا یساولی -
مدیر انتشارات یساولی

اشاره
انتشارات یساولی با بیش از نیم قرن فعالیت در زمینه نشر آثار فرهنگی-هنری (از سال ۱۳۳۰ تاکنون)، با توجه به این اصل که اساس تمدن هر ملت ریشه در فرهنگ و هنر آن دارد، کوشیده است تا با به تصویر کشیدن جلوه‌هایی از فرهنگ و هنر این سرزمین، شمایی از هویت و غرور ملی ایرانی را فرا روی خوانندگان قرار دهد. اما چگونگی راه اندازی این انتشارات معتبر در کشور مواردی است که رضا یساولی -مدیر- این مجموعه اشاره کرده است.

هنرمندی که توانمندی فکر و داستان خود را در قالب تصاویر چشمگیر و کم نظیر به تصویر می کشاند و در کنار آن به مدیریت این مجموعه می پردازد و معتقد است "مدیریت، تنها در قالب و چارچوبی که در کتاب ها و مقالات ارائه می شود؛ نمی گنجد و به مراتب فراتر و متفاوت تر است.

فکر می کنم نحوه مدیریت بستگی مستقیم به شرایط کاری و ارتباط مدیریت با پرسنل آن سازمان و مجموعه دارد.

دانش آموخته مدیریت نیستیم و ادعایی نیز در این مورد ندارم اما همیشه سعی کرده ام انسان ها را دوست داشته باشم و به آنان فارغ از موقعیت اجتماعی یا شغلی احترام بگذارم.



در مورد سوابق تحصیلاتی و شغلی خود توضیحاتی ارائه نمایند.

متولد ۵ خرداد سال ۱۳۴۲ در شهر تهران و آخرین فرزند خانواده پس از دو خواهر و دو برادر هستم. از دوران کودکی به دلیل موقعیت شغلی پدر و دشواری‌هایی که در زمینه تأمین معاش خانواده داشتیم؛ با مسائل کاری و کسب درآمد آشنا شدم.

پدرم در میدان بهارستان بساط کتاب فروشی داشت و اغلب کتاب‌های هنری را عرضه می‌کرد.

من نیز از زمان تحصیل دوران دبستان پس از مدرسه، به منزل واقع در خیابان پشت مسجد سپهسالار بازمی‌گشتم و ناهار پدر را می‌بردم؛ با کتاب و هنر آشنا شدم. شاید به همین دلیل باشد که همیشه حسرت یک بار فوتبال بازی کردن در محله با همسن و ساله‌هایم در ذهنم باقی مانده است.

البته پدرم تمایلی نداشت که فرزندانش در کوچه و خیابان باشند و فرهنگ نادرست بیرون اثرات نامطلوبی بر آنان بگذارد؛ لذا ترجیح می‌داد تکالیفم مدرسه را در کنارش انجام دهم. بنابراین تا زمان غروب آفتاب نزد پدر می‌ماندم و پس از تاریکی هوا راهی منزل می‌شدیم.

دوران ابتدایی و راهنمایی به این منوال سپری شد. بساط کتاب فروشی پدرم، نزدیک وزارت فرهنگ و هنر سابق در خیابان صفی‌علیشاه و انجمن خوشنویسان قرار داشت و به همین دلیل محل رفت و آمد هنرمندان سرشناس و معتبر آن زمان بود. بسیاری از این اساتید نیز در مسیر انجمن از بساط پدرم بازدید و گهگاه کتابی نیز خریداری می‌کردند.

این رفت و آمدهای مداوم موجب آشنایی نسبی ام با برخی از اساتید و هنرمندان همچون "استاد حسن میرخانی- خوشنویس و نستعلیق نویس معاصر" شد. شخصیت و رفتار این قشر از جامعه برایم جالب توجه و آموزنده بود به طوری که نحوه

رفتار و منش استاد حسن میرخانی، اثرات فوق‌العاده مثبتی در زندگی و شخصیت من گذاشت. ایشان فردی بسیار متین، موقر و قابل احترام بود؛ به طوری که شیفته نوع برخورد ایشان شده بودم.

یکی دیگر از اساتید خوشنویسی که به انجمن خوشنویسان رفت و آمد داشت، "استاد اسماعیل قوچانی" بود که از خوشنویسان مطرح مشهود محسوب می‌شود.

ایشان دستخط مرا هنگامی که نزد پدرم، تکالیف مدرسه را انجام می‌دادم ملاحظه کرده بود و به پدرم گفته بود "خط رضا بسیار خوب است و با استعداد به نظر می‌رسد بهتر است او را به کلاس‌های خوشنویسی انجمن بفرستید." پدرم پذیرفت اما آن زمان درک صحیحی از خوشنویسی نداشتیم و تمایلی هم نداشتیم برای خانواده ام خرج تراشی کنم حتی چندین بار که استاد قوچانی نزدیک بساط پدرم می‌شد؛ مخفی می‌شدم اما وی هر بار سراغم را از پدرم می‌گرفت! سرانجام در انجمن خوشنویسان ثبت نام کردم و به دلیل عدم توان مالی جهت پرداخت شهریه، به صورت عضو افتخاری محسوب شدم.

نخستین استادم؛ "زنده یاد جواد شریفی" بود. در محضر وی به خوشنویسی پرداختم در حالی که جذابیت چندانی برایم نداشت و بیشتر حالت انجام دستور و وظیفه داشت. گاهی که با کمبود وقت جهت انجام سرمشق‌های استاد مواجه می‌شدم، خطاطی‌های جلسه گذشته را نشان می‌دادم! مرتبه دوم، استاد متوجه تمهید من شد و این بار مشق‌های من را خط می‌زد تا دیگر شیطنت نکنم! خوشنویسی همان طور که اشاره کردم برایم جدی نبود اما در مقابل علاقه بسیاری به نقاشی به ویژه نقاشی‌های ایرانی داشتیم و با مشاهده تصاویر کتاب‌هایی که پدرم می‌فروخت این اشتیاق و علاقه افزایش پیدا می‌کرد. به همین دلیل مدتی از نقاشی‌های "استاد محمدعلی زاویه- از اساتید هنر مینیاتور در ایران- کپی برداری

کردم که مورد استقبال و تشویق خانواده قرار گرفت و باعث شد به نقاشی جدی‌تر از همیشه فکر کنم.

سال ۱۳۵۵ وارد هنرستان شدم و تحت تعلیم اساتید مطرح، گرانسنگ و خوشنام نقاشی کشور همچون "استاد ایزدپناه"، "استاد آقامیری"، "استاد فرشچیان" و ... قرار گرفتم که دوران بسیار ارزشمند و خوبی جهت کسب تجربه و آشنایی با هنر نقاشی و نگارگری بود.

رشته تخصصی من در هنرستان، نگارگری بود و بخش زیادی از دروس خود را نزد "استاد تاکستانی"، "استاد آقامیری" و "استاد مهرگان" فرا گرفتم. سال ۱۳۵۷ و پیش از انقلاب مدتی در خدمت "استاد فرشچیان" بودم که ایشان بعدها به خارج از کشور مهاجرت کردند.

خانواده مخالفتی در انتخاب رشته نداشتند آن هم در شرایطی که اغلب خانواده‌ها فرزندان را به تحصیل دروس مهندسی و دکترای تشویق و حتی وادار می‌کردند!

خیر. به هیچ عنوان اجباری وجود نداشت. پدرم شیفته هنر به ویژه هنر ایرانی بود و تعصب بسیاری نیز در این زمینه داشت.

برهمن اساس معتقد بود که شأن هنر ایرانی بسیار بالاست و نباید نقاشی یا خطاطی ایرانی با کیفیت نامطلوب چاپ شود. لذا جزوات و کتاب‌های مربوط به هنر ایران را به روی کاغذهای گلاسه مرغوب چاپ می‌کرد. به تبع این علاقه و تکریم به ما نیز انتقال یافت به طوری که نقش موثری در آینده هر یک از ما ایفا کرد.

روزهای تحصیل در هنرستان، برایم دوران بسیار ارزشمند و خوبی بود و از نزدیک با مسائل هنری آشنا شدم. در همین اثنا، برادرم (که قرار بود پیش از انقلاب از سوی سازمان انرژی اتمی جهت گذراندن دوره‌های آموزشی راهی فرانسه شود اما به دلیل وقوع انقلاب این امر تحقق نیافت)؛ تصمیم

گرفت از توانمندی خود در زمینه زبان فرانسه استفاده کند لذا راهی این کشور شد. این سال‌ها همزمان با دورانی بود که وارد هنرستان هنرهای زیبا شده بودم و دوران جدیدی را به لحاظ هنری در زندگی تجربه می‌کردم.

حضور برادرم در خارج از کشور، مسئولیت‌های مرا در تأمین معاش خانواده و کمک به پدر، بیشتر کرده بود.

این روال به مدت دو سال ادامه داشت تا این که برادرم از فرانسه بازگشت زیرا به این نتیجه رسیده بود بهتر است در ایران بماند و سطح معیشتی خانواده را ارتقا دهد. وی چندین شغل را نیز برای مدتی تجربه کرد اما به دلیل تربیت و رشد در فضای کتاب و آشنایی با چارچوب و قواعد موجود در دنیای کتاب، موضوع گسترش و توسعه کسب و کار پدرم را مدنظر قرار داد.

البته همان طور که اشاره کردم، پدرم کتب و جزواتی در مورد هنر

به دلیل رقابت شدید و افزایش کیفیت چاپ کتاب‌های نفیس، حجم سفارشات را کاهش و کیفیت چاپ را ارتقا دادیم زیرا تصمیم داشتیم بازار، انتشارات یساولی را تحت عنوان ارائه‌دهنده بهترین کیفیت کتاب بشناسند نه یک ناشر و تولیدکننده انبوه.

خوشنویسی، نگارگری، سبک‌های مختلف نقاشی ایرانی به چاپ رسانده بود که مورد استقبال هنرمندان خوشنویس و نقاش قرار گرفته بود. اوایل انقلاب هنر خوشنویسی که با حال و هوای عرفانی آن روزها قرابت داشت، مورد توجه مردم قرار گرفت و بسیاری از آنان در خلوت خود با صرف هزینه اندک خرید قلم و مرکب، خوشنویسی می‌کردند.

به تبع، وجود کتاب‌هایی در زمینه خوشنویسی به شدت مورد نیاز بود

کتاب های ایران شناسی نقش بسیار موثری در شناخت هویت مردم و بازیابی اعتماد به نفس دوران درخشان گذشته دارد این امر به خصوص در ایرانیان خارج از کشور جهت معرفی توانمندی ها و تاریخ تابناک ایران زمین اهمیت بیشتری دارد.

از این رو برادرم کتابی با عنوان "مرقعات خط" پیرامون آشنایی با خطوط کلاسیک ایران در دوره های صفویه (سبک استاد میرعماد) و دوره قاجار را به چاپ رساند. استقبال و فروش این کتاب بسیار عالی بود و موجب شد دومین کتاب با موضوع سیر تحول هنر خوشنویسی از زمان قدیم تا دوران معاصر را به چاپ برسانیم. این کتاب نیز با استقبال کم نظیر خوشنویسان مواجه شد و به این ترتیب به صورت حرفه ای وارد دنیای نشر شدیم و تشویق های اطرافیان به ویژه خوشنویسان معتبر و برتر کشور ما را در طی این مسیر مصمم تر ساخت.

لازم به توضیح است که این دو کتاب، به عنوان منابع قابل اعتماد و استناد تاریخ هنر خوشنویسی ایران تبدیل شده است که برای ما بسیار افتخاربرانگیز می باشد.

مدیریت انتشارات در اختیار برادرم بود و من نیز در کنار وی مشغول کار شدم و در این سال ها، پدرم به دلیل کهولت سن کمتر در محیط کار حضور داشت. سال ۱۳۶۲ با همکاری و مساعدت یکی از دوستان نزدیک پدرم، موفق شدیم در خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، محلی را که در سال های پیش از انقلاب، محل برگزاری هفته کتاب بود، جهت تأسیس انتشارات یساولی خریداری کنیم. زیرا فعالیت در بساط پدر مشکلات بسیاری داشت برای مثال تحمل هوای بسیار گرم تابستان ها دشوار بود و محبور می شدیم ظهر بساط را جمع کنیم و به منزل برویم

و پس از کاهش گرمای ظهر، دوباره بساط را پهن کنیم. پس از اجاره دفتر و مرتب کردن آن کار را ادامه دادیم. برادرم به دلیل تسلط به زبان انگلیسی و فرانسه، چندین کتاب هنری و داستانی را به زبان فارسی ترجمه و چاپ کرد.

فکر می کنم علاقه و استعداد وی در زمینه هنر نقاشی به مراتب بیشتر از من بود اما به دلیل مشکلات زندگی و تأمین معاش نتوانست به هنر ادامه دهد و من به دلیل این که آخرین فرزند بودم توانستم به هنرستان بروم و تحصیل در زمینه هنر را ادامه دهم. به همین دلیل احساس می کنم وی همیشه به دلیل وضعیت نه چندان مساعد مالی خانواده از بسیاری دل مشغولی ها و علایق هنری خود گذشت.

سال ۱۳۶۲ به خدمت سربازی رفتم و سال ۱۳۶۵ ازدواج کردم. این ازدواج موفق تأثیر بسیار موثر و مثبتی در زندگی ام به جا گذاشته است به طوری که موفقیت هایی که در زمینه نشر طی این سال ها با همکاری برادرم محمود و جواد به دست آورده ام را مدیون آرامشی هستم که همسرم با گذشت و ایثار در زندگیم فراهم نمود. سال ۱۳۶۶ به پیشنهاد خانواده در کنکور شرکت کردم و در رشته نقاشی دانشگاه تهران پذیرفته شدم. البته پیش از کنکور، مطالعه بسیار سطحی و اندکی داشتم زیرا این موضوع برایم چندان جدی نبود.

پس از قبولی در مرحله اول کنکور، به دلیل آشنایی با مسائل هنری و تحصیل در هنرستان، مرحله دوم را که به صورت عملی بود، با موفقیت سپری کردم. تحصیل در دانشگاه بیش از آن که تکنیک را به من آموزش دهد، موجب رشد و ارتقای نوع نگرش و دیدگاهم نسبت به مسائل هنری شد و به این باور رسیدم که می توانم فعالیت در موسسه انتشاراتی و بازار کار را به صورت حرفه ای و جدی دنبال کنم.

بر این اساس، نزد استاد ایزدپناه که هنرمندی فوق العاده تکنیکی و

حرفه ای در زمینه نقاشی آبرنگ و رنگ و روغن محسوب می شود؛ رفتم و از ایشان خواستم تصاویری را با تکنیک آبرنگ با موضوعاتی اجتماعی دوره قاجار ارائه نمایند.

تصاویری که ایشان ترسیم کردند حالت نوستالژیک داشتند و اکثراً از مردم کوچه و خیابان مانند عکاسان دوره گرد، لیو فروشی و ... بود.

این مجموعه را تحت عنوان "حال و هوای ایران" را با استفاده از بهترین و مجهزترین دستگاه های لیتوگرافی آن سال ها و نیروهای متخصص و متبحر به چاپ رساندم.

ورود این مجموعه به بازار برخلاف دیدگاه بسیاری از همکاران که معتقد بودند این نوع کارها، فروش چندانی ندارند، با استقبال عجیب و فوق العاده مردم همراه بود.

استاد ایزدپناه نیز با مشاهده کیفیت بسیار نفیس این مجموعه، مرا تشویق نمود تا "حال و هوای ایران" - شماره دو" را به چاپ برسانم که این مجموعه نیز بسیار پرفروش بود و مورد توجه مردم و هنرمندان قرار گرفت.

در ادامه، چاپ و انتشار کتاب های هنری تبدیل به دل مشغولی ام تبدیل شد در حالی که برادرم به چاپ کتاب های ایران شناسی می پرداخت. در این سال ها دیگر برادرم - محمود- که در اصفهان به خدمت ارتش درآمده بود، در معرفی و پخش این کتب، نقش موثری را ایفا می کرد.

نشر کتاب های نفیس ایرانی بر طبق روال منسجم و موفق خود ادامه داشت تا اینکه سال ۱۳۷۵ شرایط زندگی برادر بزرگترم به نحوی رقم خورد که راهی کانادا شد آن هم دقیقاً زمانی که رقابت در عرضه نشر کتاب بسیار تنگاتنگ و نفس گیر بود و انتشارات یساولی به دلیل حضور موثر و پر رنگ در چاپ کتب نفیس به وزنه ای معتبر تبدیل شده بود که سفر برادرم به کانادا موجب مسرت بسیاری از رقیبان وی نیز شد! خوشبختانه برادرم - محمود- که سال ها قبل بازنشسته شده بود؛ در تهران مستقر شده بود و تا حد زیادی

این خلأ را جبران نمود.

تمام تلاش و همت خود را به کار بستم تا رفتن وی کار انتشارات را با افت شدید مواجه نسازد لذا وارد نشر کتاب های ایران شناسی و هنری با نگرشی متفاوت شدیم.

به دلیل رقابت شدید و افزایش کیفیت چاپ کتاب های نفیس، حجم سفارشات را کاهش و کیفیت چاپ را ارتقا دادیم زیرا تصمیم داشتیم بازار، انتشارات یساولی را تحت عنوان ارائه دهنده بهترین کیفیت کتاب شناسند نه یک ناشر و تولیدکننده انبوه.

در واقع روند حرکتی موسسه را به این سمت هدایت کردیم و در روند کار از متخصصین حرفه ای چاپ، طراحی، لیتوگرافی، عکاسی، تصویرسازی و ... بهره مند شدیم. زیرا به این باور رسیده بودیم که برای کسب موفقیت در بازار چاپ کتب نفیس باید از نیروهای به اصطلاح درجه یک استفاده کنم تا ضمن ارتقای اعتبار موسسه در بازار به ارائه محصولات باکیفیت منجر شود.

خوشبختانه این استراتژی به موفقیت منتهی شد و توانسته ایم در بازار کتاب به عنوان ناشر کتب نفیس هنری و ایران شناسی شناخته شویم. اگرچه به دلیل مشغله فراوان و کمبود وقت، از طراحی و نقاشی که علاقه همیشگی ام به شمار می آید؛ فاصله گرفته ام اما جهت حفظ بازار و جایگاه ارزنده خود که آسان به دست نیابورده ایم و حاصل تلاش های شایانه روزی تمام پرسنل است؛ باید بیش از پیش تلاش کنیم.

علت تمرکز بر چاپ کتاب های ایران شناسی چه بود؟

کتاب های ایران شناسی نقش بسیار موثری در شناخت هویت مردم و بازیابی اعتماد به نفس دوران درخشان گذشته دارد این امر به خصوص در ایرانیان خارج از کشور جهت معرفی توانمندی ها و تاریخ تابناک ایران زمین اهمیت بیشتری دارد.

بنابراین در مقطعی از زمان نیاز به یادآوری هویت گذشته و امروز ایران مورد توجه قرار گرفت و فروش

کتاب‌های ایران شناسی روند روبه رشدی را طی کرد به طوری که تعداد ناشران این نوع کتاب‌ها از ۴-۵ نفر افزایش چشمگیری پیدا کرد که با واردات دستگاه‌های مدرن و پیشرفته طراحی و چاپ، رقابت را دشوارتر و حساس‌تر ساختند.

نیروهای متخصص، حقوق و دستمزدهای به مراتب بیشتری از سایرین دریافت می‌کنند، یا این اقدام هزینه‌های چاپ و تولید یک کتاب را افزایش نمی‌دهد؟

بله اما یکی از مواردی که احساس کردیم می‌توان در نشر کتب نفیس، متفاوت‌تر از رقیبان باشیم؛ استفاده از نیروی متخصص است.

اگرچه این مسأله هزینه‌های گزافی را تحمیل می‌کند اما معتقدیم که کتب ماندگارتر خواهند بود.

البته برخی از رقیبان نگرش عامه‌پسندانه به کتب نفیس دارند و بیشترین تلاش خود را جهت انتشار کتاب‌های عامه‌پسند با ظاهر شکیل و زیبا می‌کنند و اغلب فروش خوبی نیز در بازار دارند.

واقعیت این است که چاپ و نشر آثار اساتید و هنرمندان شناخته شده در حوزه‌های نقاشی، عکاسی و ... باعث شده افرادی که کارهای درجه یک انجام می‌دهند به همکاری با ما تشویق شوند و انتشارات یساولی را به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی جهت همکاری و نشر کتاب انتخاب نمایند زیرا به این باور رسیده‌اند که اهداف عامه‌پسند و بازاری نداریم.

وجود این طرز تفکر اگرچه از نظر اقتصادی، چندان مقرون به صرفه نیست اما در مقابل، افتخار آشنایی و همکاری با معتبرترین و موثرترین افراد این صنف (هنرمندان، طراحان و...) کشور را کسب کرده‌ایم و خوشبختانه تاکنون نگاه حرفه‌ای، جدی و جایگاه معتبر خود را حفظ کرده‌ایم.

به تعداد پرسنل انتشارات یساولی و نحوه تعامل با منابع

انسانی اشاره نمائید.

۱۵ سال پیش، شرایط بازار به نحوی بود که پس از قیمت گذاری کتب، آنها را با قیمت متعادل در اختیار کتابفروشی‌ها قرار می‌دادیم و یک فقره چک ۳ ماهه دریافت می‌کردیم. به دلیل حجم اندک کتاب چاپ شده، پخش کتاب را نیز برعهده داشتیم اما به تدریج با افزایش حجم کتاب، توزیع آن را به پخش‌کنندگان سپردیم که تجربه موفق نبود و از نظر اقتصادی شرایط خوبی را برای ما ایجاد نکرد لذا تصمیم گرفتیم پخش کتب انتشارات یساولی را راه‌اندازی کنیم که در این وضعیت حدود ۲۵ نفر مشغول کار هستند و من به همراه دو برادر به عنوان مجموعه مدیریتی فعال هستیم. بخش اعظم فعالیت‌های من و برادرانم، مدیریت بر امور اجرایی و هنری انتشارات است.

یکی از محسنات کار ما این است که در حیطه فعالیت یکدیگر دخالتی نداریم و به تصمیمات یکدیگر اعتماد و احترام خاصی قائل هستیم. این نوع نگرش موجب شده حجم کاری ما مشخص شود و موفق باشیم.

مدیریت را از زاویه دید یک هنرمند چگونه ارزیابی می‌کنید؟

احساس می‌کنم مدیریت، تنها در قالب و چارچوبی که در کتاب‌ها و مقالات ارائه می‌شود، نمی‌گنجد و به مراتب فراتر و متفاوت‌تر است. در دوران سربازی تجربه کوچکی از

مدیریت را به دست آوردم و توانستم بدون تنبیه، توبیخ یا جریمه، مدیریت موفق داشته باشم.

فکر می‌کنم نحوه مدیریت بستگی مستقیم به شرایط کاری و ارتباط مدیریت با پرسنل آن سازمان و مجموعه دارد.

دانش آموخته مدیریت نیستم و ادعایی نیز در این مورد ندارم اما همیشه سعی کرده‌ام انسان‌ها را دوست داشته باشم و به آنان فارغ از موقعیت اجتماعی یا شغلی احترام بگذارم.

این نگرش در انتشارات یساولی به خوبی در جریان است و احترام متقابلی میان پرسنل و مدیریت وجود دارد. شاید اتخاذ این استراتژی است که هنوز هم همکاران و پرسنل قدیمی با خاطره خوش از مجموعه جدا شده‌اند و هر از گاهی به ما سر می‌زنند. معتقدم شخصیت افراد به مراتب بالاتر و ارزشمندتر از حقوقی است که ماهیانه به آنها پرداخت می‌شود بنابراین به خود اجازه نمی‌دهم به خاطر پرداخت حقوق ماهیانه، برخوردی نامناسب، توهین آمیز و تحقیرکننده با آنان داشته باشم.

با کتاب بزرگ شده‌ام و عاشقانه به کار ادامه می‌دهم. این قبیل فعالیت‌های هنری همچون نگارگری، خوشنویسی و ... را با علاقه دنبال کرده‌ام و به عنوان ناشر، رسالتی را در خود احساس می‌کنم که باید در روند کار موثر باشم و گنجینه‌ای که از گذشتگان به یادگار مانده

فعالیت‌های هنری همچون نگارگری، خوشنویسی و ... را با علاقه دنبال کرده‌ام و به عنوان ناشر، رسالتی را در خود احساس می‌کنم که باید در روند کار موثر باشم و گنجینه‌ای که از گذشتگان به یادگار مانده را در بهترین سطح کیفی در اختیار مخاطبان قرار دهم.

را در بهترین سطح کیفی در اختیار مخاطبان قرار دهم.

مطلب پایانی؟

پدرم بستری را مهیا کرد تا وارد این مسیر شوم و بزرگترین یادگاری که برای ما به جای گذاشت؛ آشنایی با مسائل هنری و فرهنگی است. نگرش وی نسبت به مسائل اطراف، همیشه متفاوت‌تر و فراتر از نگاه یک فرد عامی است و افتخار می‌کنم فرزند چنین پدری هستم. تعصب بسیاری بر تاریخ، فرهنگ و هنر ایران زمین دارد و شیفته واقعی شاهنامه فردوسی است.

همچنین خوشحالم که در زمان حیات وی، موفق به چاپ شاهنامه نفیس فردوسی شدم. از مساعدت‌ها و همکاری‌های برادرانم محمود و جواد بسیار سپاسگزارم و فکر می‌کنم نقش آنان در کسب جایگاه امروز بسیار حیاتی، مهم و غیرقابل انکار بوده است.

لازم به توضیح است که انتشارات یساولی با بیش از نیم قرن فعالیت در زمینه نشر آثار فرهنگی-هنری، با توجه به این اصل که اساس تمدن هر ملت ریشه در فرهنگ و هنر آن دارد، کوشیده است تا با به تصویر کشیدن جلوه‌هایی از فرهنگ و هنر این سرزمین، شمایی از هویت و غرور ملی ایرانی را فرا روی خوانندگان قرار دهد به همین دلیل با انجام تحقیق و بررسی همه جانبه، تلاش داریم تا پیشینه کشور باستانی ایران را از دیدگاه هنری، فرهنگی و تاریخی، در قالب کتاب، در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم.

